

حکیده

بیش از ۹۰ درصد تولیدات گیاهی کشور وابسته به تامین آب و با انجام عملیات آبیاری تامین می گردد و در شرایط متعارف حداکثر ۱۰ درصد تولیدات از کشاورزی دیم حاصل میشود. این نسبت در جهان به ترتیب ۳۵ و ۶۵ درصد است. متوسط میزان بارندگی سالیانه جهان، آسیا و خاورمیانه به ترتیب ۸۱۴، ۸۲۸ و ۲۱۷ میلیمتر (فائو، ۲۰۱۶) و متوسط بارندگی سالانه کشورمان (۴۷ ساله منتهی به سال آبی ۹۵-۹۴) ۲۴۲ میلیمتر و ۱۵ سال اخیر منتهی به ۹۵-۹۴ معادل ۲۲۵ میلیمتر (سازمان هواشناسی) بوده است.

میزان منابع آب تجدید پذیر کشور در گذشته حدود ۱۳۰ میلیارد متر مکعب گزارش گردیده است، اما از اواسط دهه هفتاد به دلیل نادیده گرفتن شاخص اکولوژیکی و پایداری در برنامه های توسعه منابع آب و سیر تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توام با بروز پدیده تغییر اقلیم و کاهش بارندگی و افزایش درجه حرارت، منابع آب کشور کاهش قابل ملاحظه ای یافته به نحوی که می توان اذعان نمود ظرفیت منابع آبی کشور در شرایط فعلی در حدود ۱۰۰ میلیارد متر مکعب بوده و با برداشت سالیانه حدود ۱۱ میلیارد متر مکعب بیشتر از میزان ظرفیت تجدید پذیر آبخوان ها، بحران آب زیر زمینی نیز تشدید گردیده به نحوی که در شرایط فعلی بیشتر از ۳۵۵ دشت کشور را به ممنوعه و بحرانی تبدیل کرده است.

اگرچه بخش کشاورزی طی سالهای بعد از انقلاب اسلامی، تحولات مثبتی را پشت سر گذاشته است، لیکن هم اکنون به لحاظ مسایل پیچیده ای از جمله فناوری های نوین، نظام های بهره برداری نامناسب، بهره وری پایین عوامل تولید و نارسائی خدمات صنعتی و بازرگانی بعد از تولید اعم از فرآوری محصولات و بازار محصولات کشاورزی و همچنین تخریب منابع پایه و ناکافی بودن سرمایه گذاری در این بخش با مشکلات و چالش های اساسی مواجه می باشد. کمبود منابع آب و ضعف مدیریت مصرف آب و نارسایی های بهره وری کشاورزی و ضعف امنیت غذایی بعنوان چالش ملی ایجاب مینماید که یک برنامه کلان استراتژیک بلند مدت برای کشاورزی تهیه و بعنوان بسته ای از استراتژی کلان پیشرفت ناظر به سایر عوامل راهبردی مرتبط با آب، آمایش سرزمین، امنیت غذایی، محیط زیست و ... تدوین گردد.

دسترسی به غذای کافی، مطلوب و سالم و سلامت تغذیه ای از ضرورت های توسعه و سلامت جامعه است. نقش تغذیه در سلامت، افزایش کارایی، یادگیری انسانها و ارتباط آن با توسعه اقتصادی طی تحقیقات وسیع

جهانی بخصوص در ۲۵ سال اخیر با مبانی علمی و شواهد تجربی به اثبات رسیده است. تامین غذای کشور با اتکا به منابع تولید داخلی از تکالیف بخش کشاورزی در اسناد بالادستی از جمله اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی است و یکی از انتظارات در افق چشم انداز بیست ساله کشور است که مبنای سیاست های کلی پنج برنامه پنجساله توسعه (بخصوص از برنامه چهارم به بعد) قرار گرفته و بر آن تاکید گردیده است. تنظیم، ترویج و معرفی الگوی تغذیه مناسب میتواند به عنوان ابزار هماهنگ کننده برنامه ریزی تولید (متناسب با ظرفیت موجود)، عرضه و مصرف غذا، ارزشیابی عملکرد و برنامه ها و سیاستگذاری های سطح کلان غذا و تغذیه مورد عمل قرار گیرد.

به تعریف فائو امنیت غذایی به معنی "اطمینان از دسترسی فیزیکی و اقتصادی همه ی مردم به غذای کافی، مغذی و سالم در تمام اوقات برای داشتن فعالیت و زندگی سالم" است. میزان خودکفائی با تعیین سهم منابع داخلی در تامین نیازهای غذایی مصرفی یکی از شاخص های مهم سنجش کمی خوداتکائی در کشور است. بدلیل تنوع اقلیمی، مزیت و قابلیت های بهره برداری از منابع، تنها تعداد محدودی از کشورهای جهان را میتوان یافت که تقریباً در تامین تمامی نیازهای مصرفی مواد غذایی خوداتکا بوده و یا عادت های غذایی را با امکانات تولید داخل، کاملاً منطبق کرده باشند. با این حال سعی عمومی کلیه کشورها بر این است که در تامین مواد غذایی مهم در حد شکنندگی قرار نگیرند و سهم قابل قبولی از آن را با تکیه بر تولیدات داخلی برای خود حفظ کنند.

بررسی ضریب خوداتکائی کشور در محصولات اساسی کشاورزی در طی برنامه های اول تا پنجم نشان دهنده توفیق بخش کشاورزی در کاهش وابستگی در بعضی از دوره ها و ناکامی و عدم توفیق در دوره های دیگر است.

طی سالهای ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۴، مقدار عرضه سرانه انرژی از روند تقریباً ثابت و کم نوسانی برخوردار بوده و در تمامی این سالها بالاتر از ۳۰۰۰ کیلوکالری در روز بوده است. طی این سالها حداقل عرضه سرانه انرژی ۳۰۵۲ کیلو کالری در روز بوده که به سال ۱۳۷۰ اختصاص داشته و حداکثر آن ۳۶۴۱ کیلو کالری در روز می باشد که در سال ۱۳۹۴ عرضه گردیده است. میزان خودکفائی در عرضه انرژی طی این دوره (۶۸-۹۴) حداقل ۵۲/۴ درصد در سال ۱۳۹۱ تا حداکثر ۸۱/۸ درصد در سال ۱۳۸۳ در نوسان بوده است و در رابطه با عرضه سرانه پروتئین طی سالهای ۷۹ الی ۱۳۹۴، کمترین مقدار (۸۳ گرم در روز) به سال ۱۳۷۹ و بیشترین مقدار (۱۰۳ گرم در روز) به سال ۱۳۹۴ اختصاص دارد و از نظر خودکفائی پروتئین بیشترین میزان (۸۹ درصد) به سالهای ۸۳ و ۸۴ تعلق دارد. در بین محصولات اساسی غذایی سهم گندم در عرضه سرانه انرژی و پروتئین (متوسط سالهای ۷۹ الی ۹۴) به ترتیب ۴۰ و حدود ۴۴ درصد بوده که بیشترین مقدار را

بخود اختصاص داده است. در بین سالهای برنامه پنجم، بالاترین میزان خودکفایی در تامین و عرضه انرژی و پروتئین در محصولات اساسی غذایی شامل گندم، قند و شکر و برنج که به ترتیب ۸۱، ۷۸ و ۷۳ درصد بوده، به سال ۱۳۹۴ اختصاص دارد که در مقایسه با سایر سالهای این برنامه از افزایش چشمگیری برخوردار است. براساس گزارش فائو در سال ۲۰۱۱، مقدار انرژی عرضه شده برای هر فرد در جهان ۲۸۶۸ کیلوکالری در روز بوده که ۸۲ درصد آن از فرآورده های گیاهی و ۱۸ درصد از فرآورده های حیوانی تامین گردیده است. در ایران طبق همین گزارش مقدار انرژی عرضه شده حدود ۷ درصد بیشتر از متوسط جهانی است، لیکن ۸۹ درصد آن از منابع گیاهی و ۱۱ درصد از منابع حیوانی می باشد و در خصوص عرضه سرانه پروتئین نیز در جهان ۸۰/۳ گرم برای هر نفر در روز بوده و در ایران مقدار عرضه پروتئین حدود ۸ درصد بیشتر از متوسط جهانی است اما سهم فرآورده های حیوانی در تامین آن ۱۲ درصد کمتر از متوسط جهانی است، که حاکی از **ضرورت افزایش تامین انرژی و پروتئین از منابع حیوانی در ایران می باشد.**

میانگین مصرف سرانه روزانه انرژی طی سالهای ۸۷ الی ۹۴ در سطح خانوارهای شهری و روستایی ۲۷۶۶ کیلو کالری بوده که ۸۹ درصد آن از منابع گیاهی و ۱۱ درصد از منابع حیوانی بوده است. در یک جمع بندی میتوان گفت **۳۰ درصد** جامعه ایران از لحاظ انرژی دچار سوء تغذیه، **۲۰ درصد** متعادل و **۵۰ درصد** جامعه نیز دچار مصرف زیاد انرژی اند که مصرف انرژی در ۳۰ درصد آنان بسیار ناهنجار و غیر متعادل است؛ و میانگین مصرف روزانه پروتئین طی همین دوره در سطح خانوارهای شهری و روستایی **۷۶/۲ گرم در روز** بوده که ۷۱ درصد آن از منابع گیاهی و ۲۹ درصد از منابع حیوانی تامین گردیده است و در مجموع میتوان ادعان کرد که **۳۰ درصد** افراد جامعه (اعم از شهری و روستایی) با **۴۲/۵ درصد** کسری دریافت پروتئین دچار سوء تغذیه شدید، **۲۰ درصد** افراد با **۳۰ درصد** کسری دریافت پروتئین در شرایط سوء تغذیه، **۲۰ درصد** افراد با **۲۱ درصد** کسری در حد قابل تحمل و حداکثر **۳۰ درصد** در حد مطلوب پروتئین مصرف کرده اند.

مقادیر مصرف مواد غذایی در سطح خانوارهای شهری و روستایی بر مبنای هزینه های خوراکی مرکز آمار ایران و قیمت های خرده فروشی بانک مرکزی و سایر مراجع رسمی حاصل گردیده است و شامل مصارف عمومی جامعه نمی باشد. متوسط مصرف گندم (آرد) در سطح خانوارهای شهری و روستایی طی ۸ سال ۸۷ الی ۹۴ رو به کاهش بوده و متوسط مصرف از ۱۲۲ کیلوگرم در سال ۸۷ به ۹۵ کیلوگرم در سال ۹۴ رسیده است. متوسط مصرف سرانه برنج با کاهش تدریجی از **۳۳/۴** به **۲۹/۵** کیلوگرم رسیده، متوسط مصرف سرانه گوشت قرمز از **۹/۲** به **۶/۶** کیلوگرم کاهش یافته که نشان دهنده کاهش بطئی مصرف آن تا سال ۹۰ و کاهش ۲۸ درصد آن طی چهار سال منتهی به ۹۴ بوده است. متوسط سرانه مصرف گوشت مرغ در خانوار با روند افزایش

از ۱۸/۴ به ۲۱/۲ کیلوگرم همراه بوده و مقدار مصرف این ماده پروتئینی در بین کلیه گروه ها و افراد شهری و روستائی روند افزایشی داشته است. متوسط سرانه مصرف شیر از سال ۸۷ تا سال ۹۰ تقریباً ثابت و از ۷۱/۴ به ۶۹/۵ کیلوگرم رسیده و در سال ۹۴ به ۶۶/۷ کیلوگرم رسیده است. متوسط سرانه مصرف تخم مرغ و حبوبات تغییرات فاحشی ندارد و مصرف سرانه قند و شکر از ۲۱/۲ به ۱۹/۲ کیلوگرم رسیده ، روغن نباتی از ۱۵/۵ به ۱۴/۳ و میوه و سبزی از ۲۳۵ به ۱۹۰ کیلوگرم کاهش داشته است.

میانگین کل عرضه^۱ محصولات مهم کشاورزی برای کلیه مصارف (غذایی و غیر غذایی) طی سالهای ۷۹ الی ۹۴ بدین شرح بوده است:

گندم ۱۹۷، برنج ۳۸، سیب زمینی ۵۸، پیاز ۲۴، قند و شکر ۲۸، روغن نباتی ۲۰، حبوبات ۸/۳، میوه درختی ۱۹۱، محصولات جالیزی ۸۹، سایر سبزیجات ۱۰۴، گوشت قرمز ۱۱/۷، گوشت مرغ ۲۰/۲، آبزیان ۸/۲، تخم مرغ ۹/۹، شیر ۱۰۰ کیلوگرم برای هر نفر بوده است.

متوسط سالانه ارزش واردات محصولات کشاورزی و صنایع غذایی طی برنامه های پنجساله سوم، چهارم و پنجم به ترتیب ۲/۷، ۶/۳ و ۱۱/۹ میلیارد دلار بوده که حاکی از افزایش واردات بخصوص از سال ۱۳۸۵ به بعد تا سال ۱۳۹۱ بوده که در این سال به بالاترین میزان (۱۴/۳ میلیارد دلار) در طول کلیه سالها می رسد و از سال ۱۳۹۲ به بعد با روند کاهشی روبرو بوده بطوریکه در سال ۱۳۹۴ به حدود ۹/۳ میلیارد دلار کاهش پیدا می کند.

متوسط سالیانه ارزش صادرات محصولات کشاورزی و صنایع غذایی طی برنامه های مذکور به ترتیب ۱/۳، ۳/۳ و ۶/۲ میلیارد دلار بوده که در مجموع از روند افزایشی ملایمی برخوردار بوده و در بین کلیه سالها بیشترین میزان صادرات به ترتیب به سالهای ۹۳، ۹۱ و ۹۴ اختصاص داشته است.

متوسط سالیانه کسری تراز تجاری در برنامه سوم ۱/۴، در برنامه چهارم ۳ و در برنامه پنجم ۵/۷ میلیارد دلار می باشد. سالهای ۹۱ و ۹۲ هر یک با حدود ۸ میلیارد دلار کسری تجاری بالاترین میزان کسری تجاری را در بین کلیه سالها به خود اختصاص داده اند. در بین سالهای برنامه پنجم، سال ۱۳۹۴ موفق ترین سال از نظر بهبود تراز تجاری بوده است.

سرانه ارزش خالص واردات (ارزش واردات منهای ارزش صادرات تقسیم بر جمعیت) بین حداقل ۱۱/۵ (سال ۱۳۷۳) و حداکثر ۱۰۳/۹ دلار (سال ۱۳۹۱) در نوسان بوده است. برنامه سوم با سرانه ارزش خالص واردات

^۱ کل عرضه = تولید باضافه واردات منهای صادرات ± ذخیره انبار
عرصه سرانه = کل عرضه تقسیم بر جمعیت

۲۱/۴ دلار در سال کمترین میزان ارزش خالص واردات را بخود اختصاص داده است. در سال ۱۳۹۴ نسبت ارزش صادرات به ارزش واردات محصولات کشاورزی و صنایع غذایی، ۶۶/۱ درصد بوده که بیشترین مقدار در طول ۲۷ سال منتهی به این سال بوده و سالی موفق در رابطه با این شاخص بوده است.

خلاصه پیشنهادات

- حل مسایل امنیت غذایی بصورت فرابخشی با تعامل و اجرای مشترک کلیه بخش ها بطور هماهنگ و همسو در جهت تامین پایدار آن.
- تغییر نگرش مسولین از سطح کلان امنیت غذایی (عرضه در سطح ملی) به مصرف در سطح خانوار مبتنی بر سبد مطلوب غذایی و پایش مستمر وضعیت غذا و تغذیه در جامعه و تعیین سالانه خط فقر غذایی
- تعریف و تدوین مکانیسم های حمایتی از اقشار زیر خط فقر غذایی

